

## تغییر در انتظار از زندگی ، عامل اصلی طلاق

انتظار از زندگی ، عامل اصلی طلاق بر اساس آمارهای رسمی در سه ماهه اول سال جاری ۳۴ هزار و ۷۵۹ مورد واقعه طلاق ....



انتظار از زندگی ، عامل اصلی طلاق بر اساس آمارهای رسمی در سه ماهه اول سال جاری ۳۴ هزار و ۷۵۹ مورد واقعه طلاق به اتفاق افتاده که در هر ساعت به طور متوسط ۱۶ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده است. آمارها نشان می دهد که طلاق در کشورهای اخیر روند روبه رشدی داشته است. با عباس عبدی، پژوهشگر مسائل اجتماعی در این باره گفت و گو کرده ایم. او معتقد است مهمترین علت افزایش طلاق تغییر در انتظار زن از زندگی و نقش خود در خانواده است .

با توجه به شیوع پدیده طلاق در سال های اخیر ، به نظر شما علت افزایش این واقعه در جامعه ما چیست ؟  
به عقیده من بروز طلاق مثل هر پدیده اجتماعی دیگر، تک عاملی نیست و به لحاظ منطقی، انواع و اقسام، علل و عوامل مختلفی در بروز و افزایش آن مؤثر است. برای این که بدانیم کدام عامل مهمتر است، نیازمند انجام و دسترسی به پژوهش های اجتماعی در این زمینه هستیم. ولی با نهایت تأسف باید گفت که طی سال های اخیر به نحو چشم گیری انجام این پژوهش ها و نیز طرح عمومی یافته های پژوهشی و بحث های کارشناسی در باره این موضوعات، کاهش یافته است. گویی که هیچ معضل و آسیب اجتماعی وجود ندارد که دولت موظف به ایجاد زمینه لازم برای مطالعه دربارهی آن ها باشد. اولین نتیجهی مبارزهی غیرمنطقی علیه علوم اجتماعی، همین وضع است که می بینیم. بنابراین آن چه که در این زمینه اظهار می کنم، استنباط های کلی بنده است و برای تأیید صحت و سقم و آن باید به مطالعات میدانی و معتبر پژوهشی مراجعه کرد.

به نظر من علت اصلی افزایش طلاق، تغییر در انتظار زن از زندگی و نقش خود در خانواده است. انتظاری که به دلایل متعدد تغییر کرده است، ولی شوهران آن را نمی پذیرند. البته مشابه همین وضع هم در میان مردان رخ داده است، و در واقع از یک سو تغییر انتظارات هم در زن و هم در شوهر دربارهی خودشان و از سوی دیگر نپذیرفتن این تغییرات دربارهی طرف مقابل، علت اصلی افزایش طلاق است. همچنین ناهمخوانی مقررات حقوقی ازدواج با انتظارات طرفین و شرایط روز جامعه نیز عامل مهم دیگری است که بی ربط به عامل اول نیست. شرح این مسأله طولانی می شود و از حوصله این گفت و گو خارج است.

بعضی از آسیب شناسان و جامعه شناسان معتقدند که در سالیان اخیر پدیده طلاق عاطفی هم شیوع پیدا کرده ، شما اعتقادی به طلاق عاطفی و شیوع آن دارید ؟

اعتقاد دارم در هر جایی که محدودیت های اخلاقی و قانونی برای انجام طلاق باشد، به همان نسبت نیز طلاق عاطفی بیشتر است ولی به نظر من با توجه به رشد طلاق و کم شدن اثرات منفی این رویداد جوانان کمتر از گذشته خود را در قید و بند زندگی سخت که همان طلاق عاطفی باشد قرار می دهند پس شدت طلاق عاطفی در حال کاهش است و این یکی از نتایج مثبت افزایش وقوع طلاق است.

عوارض این پدیده چگونه خود را بر جامعه نمایان می کند و اصلاً برای جلوگیری یا کاهش طلاق چه راهکاری وجود دارد ؟  
از اثرات افزایش این پدیده ، تغییر در الگوی خانوار و حتی افزایش تقاضا برای مسکن (به دلیل زیاد شدن تعداد خانوار)، تغییر الگوی روابط جنسی، کاهش رشد جمعیت و انواع مسائل دیگر می تواند در کوتاه و بلند مدت به دلیل رشد آمار طلاق، را می توان نام برد .  
اما ؛ به یک تعبیر جلوی افزایش طلاق را نمی توان گرفت، ولی می توان روند آن را کاهش داد. ضمن آن که می توان از تبعات منفی آن کاست. به نظر من در سه مرحله باید این کار انجام شود.

مرحله ی اول پیش از ازدواج است که باید مشورت های متعددی را دربارهی چگونگی انتظارات از یکدیگر و تطابق دادن هر یک از انتظارات به دختر و پسر داده شود. در این مرحله معتقدم که باید مقررات و حقوق ازدواج تغییر کند. ازدواج یک عقد است که به هر شکلی می توان آن را منعقد کرد. ولی در ایران کنونی باید چند الگوی ثابت (به جای یک الگوی فعلی) به زوجین ارائه شود تا هر کدام را که خود خواستند، انتخاب کنند. بحث این مسأله نیز نیازمند فرصت دیگری است. مرحله ی بعد در طول زناشویی است که باید کمک های مشاوره ای و به ویژه رایگان به زوجین داد تا بتوانند مشکلات متعدد ارتباطی خود را به ویژه در امور جنسی و نیز ارتباطات با

دیگر اعضای خانواده و کنار آمدن با مشکلات زندگی، حل کنند. و بالاخره در مرحله‌ی طلاق باید امکانات و مشورت‌هایی را فراهم کرد که طرفین با حداقل خسارت روانی و اخلاقی از یکدیگر جدا شوند و سرنوشت کودکان (در صورت وجود) قربانی این طلاق نشود. همانطور که در ابتدا اشاره شد آمار رسمی سازمان ثبت احوال گویای روند افزایشی طلاق را نشان می‌دهد چرا مسئولین به طور عام به مسائل اجتماعی و بالاخص واقعه طلاق توجه کمتری نسبت به مسائل اقتصادی و سیاسی می‌کنند.

واقعیت این است که مسائل و مشکلات اقتصادی به نحوی اورژانسی هستند. وقتی ارزش‌ها گران شود، هم‌هی شاخک‌ها متوجه چهارراه استانبول می‌شود. ولی مسائل اجتماعی به صورت آهسته آهسته تغییر می‌کند. لذا تا وقتی که به درجه‌ی بحرانی نرسند، کمتر مسئولی به آن توجه می‌کند، البته وقتی هم متوجه می‌شوند که کاری از دستشان برنمی‌آید. با این حال همه مشکلات را بر دوش دولت نباید انداخت. مردم و مطبوعات و نهادهای دیگر هم باید حساسیت لازم را از خود نشان دهند. به نظر من سونامی طلاق از چند سال پیش در تهران آغاز شده و هنگامی که به شهرستان‌ها و روستاهای کشور برسد، با یک بحران بزرگ اجتماعی مواجه خواهیم بود، به طوری که بساط هم‌هی برنامه‌های فرهنگی دولت را برخواهد چید.

عده‌ای از افراد، نفوذ مدرنیته به فرهنگ و اجتماع سنتی ما را علت این واقعه می‌دانند نظر شما در این مورد چگونه است. و میتوان مدرنیته را در روند افزایشی طلاق سهیم دانست.

در واقع بخشی از طلاق ناشی از تضاد سنت و مدرنیسم است و بخشی نیز ناشی از مدرنیته است. برای درک بهتر است مثال بزنم. صعود از یک سطح شیب‌دار، همراه با کشیدن یک چرخ‌دستی، خستگی را دوچندان می‌کند. یکی به دلیل صعود از یک سطح شیب‌دار و دیگری به علت حمل بار اضافی که فرد را به پایین می‌کشد. مدرنیته مثل همان سطح شیب‌دار به سوی بالا است و تضاد سنت و مدرنیسم مشابه آن بار اضافی است که حمل آن بر دوش فرد سنگینی می‌کند. افزایش طلاق ناشی از صعود به بالای سطح شیب‌دار را نمی‌توانیم کاهش دهیم، هرچند می‌توانیم عوارض آن را کم کنیم، ولی تضادهای موجود (به‌ویژه در حقوق خانواده) که انعکاسی از تضادهای میان سنت و مدرنیسم است را می‌توانیم کم کرده و تبعات آن، از جمله طلاق را تا حدی کاهش دهیم.

وزیر ورزش و جوانان گفته است که: " صدور مجوز به سایت‌های همسریابی از ایده‌های این وزارتخانه برای کاهش میزان طلاق است " چقدر این ایده را می‌توان موثر دانست.

ارزیابی درستی این نظر منوط به این است که گوینده مستندات و شواهد کافی برای تاثیر مثبت داشتن این کار بر کاهش طلاق ارائه دهد آنگاه من یا هر کس دیگری به نقد این اظهارات بپردازیم اما وقتی هیچ دلیلی برای این ادعا آورده نمی‌شود چه می‌توان گفت؟ مگر این سایت‌ها قرار است چه کاری کنند که طلاق کم شود؟ این سایت‌ها در بهترین حالت امکانی برای پیدا کردن شریک جنسی هستند مگر در دنیا که از این امکانات زیاد است ازدواج‌های سایت‌های مشابه، طلاق را کم کرده است؟ خوب! اگر می‌خواهند مخالفت با تاسیس این سایت‌ها را کم کنند اشکالی ندارد که از این مطالب هم گفته شود ولی بدانند که اینها کمکی به حل مساله طلاق نمی‌کند.